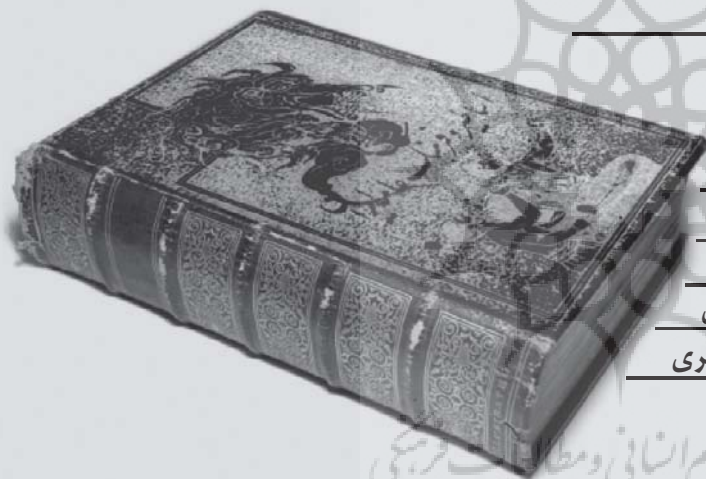


# اساطیر در فرهنگ عامیانه ایران

فهیمة غنی نژاد



تجلی دوازده ماه در آیینهای اساطیر

و فرهنگ عامه‌ی ایران

جابر عناصری

م‌رند، نشر قمری

فولکلور<sup>۱</sup> یا فرهنگ توده‌ی مردم که بر معتقدات، آداب و رسوم، سنن، عادات، افسانه‌ها، ادبیات، هنرها، معارف و معلومات ملی و قومی و اجدادی مردم عامی اطلاق می‌شود، به منزله‌ی شناسنامه‌ی هر قوم و ملت؛ و نشانگر تفکرات، آرمان‌ها، ارزش‌های فرهنگی و موازین اخلاقی آنها؛ در نقاط مختلف دنیا از جایگاهی ویژه برخوردار است.

آغاز تحقیقات مربوط به فولکلور، قرن نوزدهم میلادی بود و در شکل‌گیری آن، دو عامل تأثیر حیاتی داشت. یکی پیدایش رمانتیسم اروپایی، که چشم بر فرهنگ گذشته دوخته بود؛ و دیگری، رواج ناسیونالیسم که متکی بر تعلقات بومی بود.<sup>۲</sup> فرهنگ عوام (در هر گوشه از جهان) که به مثابه‌ی عنصری اصلی و هسته‌ای، در پژوهش‌های مربوط به مردم‌شناسی<sup>۳</sup> مورد مطالعه قرار می‌گیرد، آیین‌های تمام نمای تمدن و زمان و مکانی است که به آن وابسته است؛ اگر چه بسیاری از اجزای متشکله‌ی این نوع فرهنگ، در عین گوناگونی و تعلق داشتن به تمدن‌ها، زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، از همانندی‌هایی برخوردارند. همسانی‌های موجود در میان تعدادی از اعتقادات، مراسم، قصص، اشعار و ترانه‌های اقوام مختلف، نمودار این معنست



فرهنگ عوام که به مثابه‌ی  
عصری اصلی و هسته‌ای، در  
پژوهش‌های مربوط به مردم‌شناسی  
مورد مطالعه قرار می‌گیرد، آینه‌ی  
تمام نمای تمدن و زمان و مکانی  
است که به آن وابسته است؛ اگر  
چه بسیاری از اجزای متشکله‌ی این  
نوع فرهنگ، در عین گوناگونی و  
تعلق داشتن به تمدن‌ها، زمان‌ها و  
مکان‌های متفاوت، از همانندی‌هایی  
برخوردارند

از ایرانیان شیفته‌ی دانش عامیانه‌ی مملکت خود نیز ابتدا باید از  
صادق هدایت<sup>۷</sup> نام برد. از تلاش‌های پیرارج وی در این عرصه، کتاب  
نیرنگستان، «اوسانه»<sup>۸</sup> و «ترانه‌های عامیانه»<sup>۹</sup> و «فولکلور یا فرهنگ  
توده (نمونه‌ها و دستور جمع‌آوری و تدوین آن)»<sup>۱۰</sup> است که یک «طرح  
کلی برای کاوش فولکلور یک منطقه» را هم دربر دارد. از دیگر ایرانیانی  
که تاکنون در این زمینه، کوشش‌هایی کرده‌اند، می‌توان به میرزا حبیب  
اصفهانی<sup>۱۱</sup> که از آزادمردان خوش قریحه و با ذوق قرن سیزدهم و اوایل  
قرن چهاردهم هجری بوده است؛ سید اشرف‌الدین قزوینی معروف  
به گیلانی مدیر روزنامه‌ی ادبی و فکاهی نسیم شمال در شهر رشت  
که از شاعران میهن‌پرست، مردمی، مشهور و محبوب دوره‌ی انقلاب  
مشروطیت بوده است؛ علی‌اکبر دهخدا<sup>۱۲</sup> (۱۲۵۸-۱۳۳۴ شمسی) که با  
اعتقاد به قدرت زبان توده‌ی مردم و با استفاده از آن، «چرند و پرند»<sup>۱۳</sup> و  
بعد، کتاب امثال و حکم را نوشت؛ سید محمد علی جمال‌زاده<sup>۱۴</sup>؛ فضل‌الله  
صبحی‌مهندی<sup>۱۵</sup>؛ ابوالقاسم انجوی شیرازی<sup>۱۶</sup> و... اشاره کرد.

تجلی دوازده ماه در آئینه‌ی اساطیر و فرهنگ عامه‌ی ایران،  
کوششی است در جهت شناساندن نمای کلی سال ایرانی که از دوازده  
ماه سی روزه (به علاوه پنج روز اضافه بر آن به پنجه یا خمسه‌ی  
مستترقه موسوم است) تشکیل شده؛ و نیز بازگویی اشاراتی اساطیری

مسئله‌ی جمع‌آوری فولکلور، که به‌ظاهر سهل می‌نماید، امری  
به‌غایت حساس و قاعده‌مند و متکی به روش دقیق علمی است.  
پژوهش و گردآوری در این زمینه، که عشق، بردباری، احساس  
مسئولیت، ظرافت، امانت و بی‌غرضی بسیاری می‌طلبد، ایجاب می‌کند  
که پژوهشگر و گردآورنده، از هر گونه اعمال نظر سخت بپرهیزد و در  
صورت برخورد با روایت‌های گوناگون از مطلبی واحد، بی‌هیچ دخل و  
تصرف، حک و اصلاح، به هم‌آمیختگی و ادغام سلیقه‌ای، لفاظی و  
پیچیده‌گویی‌های ادیبانه، جملگی را با همان اشکال متفاوت ثبت نماید  
و به نظر مخاطبان برساند.

در زمینه‌ی فرهنگ عامه‌ی ایران، تاکنون کارهای ارزشمندی توسط  
مستشرقان و ایران‌شناسان غیرایرانی و نیز فرهنگ‌دوستان ایرانی این  
شاخه از دانش انجام گرفته است.

والنتین آلکسیویچ ژوکوفسکی<sup>۴</sup> مستشرق و ایران‌شناس روسی  
در سال‌های ۱۸۵۸ تا ۱۹۱۸؛ آرتور امانوئل کریستن سن<sup>۵</sup> مستشرق و  
ایران‌شناس دانمارکی در سال‌های ۱۸۷۵ تا ۱۹۴۵ و هانری ماسه<sup>۶</sup> مستشرق  
و ایران‌شناس فرانسوی که در سال‌های ۱۸۸۶ تا ۱۹۶۹ میلادی می‌زیسته  
است؛ از جمله دانشمندان غیرایرانی‌ای هستند که هر یک برای روشن کردن  
گوشه‌ای از فرهنگ مردم سرزمین‌مان دست به تحقیق و تتبع زده‌اند.

تجلی دوازده ماه در  
آینه‌ی اساطیر و فرهنگ  
عامه‌ی ایران، کوششی در  
جهت نمایاندن نقش و  
تأثیر باورهای اسطوره‌ای  
در جهان‌بینی انسان عامی  
گوشه‌هایی از سرزمین ما  
است

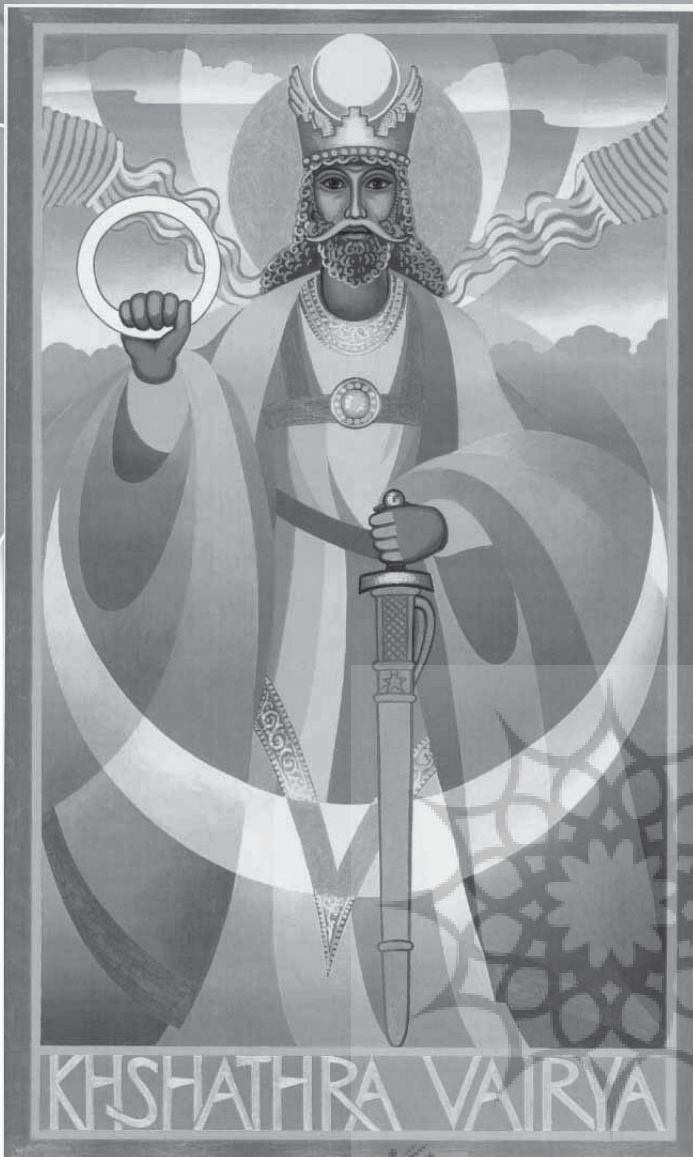


بود؛ «شب برات»؛ «آداب پنجه یا خمسه‌ی مسترقه» و... از جمله آدابی هستند که در روزگار ما زندگی دوباره یافته‌اند.<sup>۲۱</sup> در تفکر و فرهنگ ایران باستان، فروردین، ماه رستاخیز و تجدید حیات طبیعت، نماد توانایی نو شدن و بالیدن در اوج کهنگی و فرتوتی، و نیز پیروزی زندگی بر مرگ است.

اردیبهشت،<sup>۱۸</sup> نماد راستی، و نگاهبان نظام الهی و اخلاقی بر روی زمین؛ و خرداد<sup>۱۹</sup>، ماه کمال است. تیر، ماهی است که به «تیشتر»<sup>۲۰</sup> اختصاص دارد. او موکل بر باران، و دشمن و هم‌اورد دائمی «پوش»<sup>۲۱</sup>، دیو خشکسالی است. مرداد<sup>۲۲</sup>، ماه نامیرایی؛ و شهریور<sup>۲۳</sup>، نماد شهریاری آرمانی و نمودار آن حکومت مقتدریست که مدافع ضعیفان و محرومان، و براندازنده‌ی زورمندان بدخواه است. مهر<sup>۲۴</sup>، ماهی است که نام یکی از بزرگترین ایزدان در اساطیر هند و ایرانی را بر خود دارد و پاسداری از درست پیمانی و راست‌گویی، از خویشکاری‌های منتسب به اوست. آبان، صفت ایزدبانو «اردوی سوراناهیتا»<sup>۲۵</sup>، سرچشمه‌ی همه‌ی آب‌های روی زمین و فرشته‌ی موکل بر آب است که یشت پنجم اوستا در ستایش و نیایش اوست. ماه آذر<sup>۲۶</sup>، بر یکی از بزرگترین ایزدان دین زرتشتی یعنی ایزد نگاهبان آتش دلالت دارد. دی یا «دادار» به معنای «آفریدگار» صفت اهورامزداست. بهمن<sup>۲۷</sup>، اندیشه‌ی نیک؛ و اسفند، «اسپندارمذ»<sup>۲۸</sup>، یعنی همان روح اخلاص است که ایزد بانوی زمین و دختر اهورامزداست.

در این زمینه؛ که البته امر بدیعی نیست. اما آنچه به این کتاب ویژگی نسبی می‌بخشد. نمایاندن نقش و تأثیر این باورهای اسطوره‌ای در جهان‌بینی انسان عامی گوشه‌هایی از سرزمین ماست. هر یک از ماه‌های دوازده‌گانه‌ی سال و روزهای آن (حتی پنجه‌ی مسترقه‌اش)، نزد ایرانیان که از فرهنگی کهن، اصیل، غنی و ارزشی برخوردار بوده‌اند، پیوسته دربردارنده‌ی بارهای معنایی و اعتقادی و به شکلی تمثیلی، اخلاقی بوده و بالطبع، آداب و آیین‌ها و جشن‌هایی داشته است. بسیاری از این رسوم و سنن را امروزه غبار فراموشی پوشانده و تعدادی دیگر، هم‌اکنون نیز با همان صورت گذشته و یا با تغییراتی که از گذر روزها عارضشان شده است، همچنان به حیات با هویتشان ادامه می‌دهند. در این میان، هستند رسوم گمشده‌ای که بر اثر عشق و طلب جست‌وجوگران سختکوش آن، بازیافته و زنده شده‌اند. «جشن تیرگان یا آبریزگان» که، تنها، نامش در فرهنگ‌ها به جا مانده بود؛ «آداب میرنوروزی» که از قرن هشتم به بعد، معلوم نشد چه شده





تجلی دوازده  
ماه ردپای برخی  
باورهای امروزی  
را می‌گیرد و با  
حرکتی رو به عقب،  
در جست‌وجوی  
ریشه‌های  
باستانی‌شان برمی‌آید

تجلی دوازده ماه در آیین‌های اساطیر و فرهنگ عامه‌ی ایران، ردپای برخی باورهای امروزی را می‌گیرد و با حرکتی رو به عقب، در جست‌وجوی ریشه‌های باستانی‌شان برمی‌آید:

«عوام باور دارند که شب اول ماه (پس از رؤیت ماه) اگر کسی در آن روزهای خوشی بگذراند، آن ماه روزهای خوشی خواهد داشت. در ضرب‌المثل‌هاشان، مکرر از آب و ارزش آب سخن می‌گویند. انسانی که بی‌حرمت شود و ارزش و اعتبار خود را از دست دهد، «آب» رویش ریخته می‌شود. دو تن که اهل مجادله باشند و به هیچ وجه به انس و الفت نیندیشند «آب»‌شان به یک جوی نمی‌رود و آن کس که کار بیپه‌وده و عبث انجام می‌دهد، «آب» در هاون می‌کوبد و آن گاه که خلاف کردند و دل به پشیمانی سپردند، خواهند شنید که: «آب» رفته به جوی باز نمی‌گردد و هنگامی که مختصر وسیله‌ی معیشتی فراهم کردند و دل خوش ساختند و قناعتی هم در پیش گرفتند به شادمانی و بی‌ریایی و خوشی، خواهند گفت که: «آب» باریکه‌ای داریم و زندگی را به هر نحو سپری می‌سازیم.

بر سر آبرو باختگان و دامن ناپاکان، «آب» توبه می‌ریزند تا پلشتی از روی و ناپاکی از دامنش بزدایند». (ص ۲۵)  
در دوره‌ی اسلامی نیز حرمت فراوانی به آب قایل می‌شوند «و من

الماء كل شيء حي» را گوشزد کرده و ضمن توصیف مصائب مقدسین دین اسلام از میان وقایع بسیار اصلی صحرای کربلا، موضوع بستن آب فرات به روی اهل بیت حضرت امام حسین(ع) را قرار می‌دهند که سقایت دشت کربلا با حضرت ابوالفضل(ع) بوده است و سقایی مقامی بس رفیع بوده و سقاخانه‌ها از زمره‌ی اماکن بسیار مقدس به شمار می‌رفته که اهل ایمان شمعی در آن محفل افروخته و کاسه‌ای از آب سبیل گشته نوشیده و لعنت حق بر یزید کرده‌اند». (ص ۴۹)

«موقعیت خاص جغرافیایی ایران و کمبود آب در این سرزمین یکی از اشتغالات جدی فکری برای ایرانیان بوده است و چاره‌اندیشی برای نگهداری و حراست از آب و پرهیز از آلودن آن همواره مورد توجه. در اوستا و سایر متون مقدس پیش از اسلام، مردم به حفظ و پاک نگه داشتن آبها سفارش و از آمیختن پلید عابدان دور باش داده شده‌اند». (ص ۴۹)

«در افسانه‌های ایران باستان، کم‌التفاتی اهورامزدا به اهریمن را

تجلی دوازده ماه در آیینی اساطیر و فرهنگ عامه‌ی ایران، کوششی است در جهت شناساندن نمای کلی سال ایرانی که از دوازده ماه سی روزه (به علاوه پنج روز اضافه بر آن به پنجه یا خمسه‌ی مسترقه موسوم است) تشکیل شده؛ و نیز بازگویی اشاراتی اساطیری در این زمینه؛ که البته امر بدیعی نیست. اما آنچه به این کتاب ویژگی نسبی می‌بخشد



و ناهماهنگ می‌نماید، قلم و زبان متن است که یکدست نبوده، در بسیاری جاها، بر اثر تکلف‌های ادبی، توصیفات شاعرانه، انشاءپردازی و اطناب، تحقیقی بودن کتاب را بی‌رنگ می‌کند. به عنوان نمونه، بخشی که به ماه اسفند و شناساندن اسطوره‌های کهن آن و باورهای بازمانده‌اش و نیز آداب و رسوم امروزی آن

اختصاص دارد، چنین آغاز گردیده است:

«اینک به کوری چشم خار و به یمن صبر و شکیبایی امشاسپند اسفندارم، کولبار بر کشیدیم و پاتاه‌ها از پاها برگرفتیم و کاروان عمر را به آستان دوازدهمین ماه سال رساندیم و نفس در نفس هم انداختیم و «خواب و بیداری» مخمل سبزه را نگرستم [نگریستیم] و بیداری شکوفه‌ها را.

چشم گشودیم و رها شدن آب‌های محبوس در زیر یخ‌ها را به نظاره نشستیم که شتابان در سینه‌ی کوهساران، راهی مرغزارها هستند و آبراه‌ها، به یاد عهد و میثاق دیرین در انتظار زیارت آنها و چمن‌های فسرده، تشنه و عطشان، چشم به راهشان. و عذار عذرای گلبرگ‌ها که به سیلی برف و طوفان کبود گشته بود، به مشاطه‌گری فرشته اسفندارمذ به عروسی چمن‌ها نشسته‌اند و «سیسنبرها» تاج مکمل بر سر نهاده و نیلوفرها ردای مرصع بر تن و بیدمشک‌های زرفشان و طلایه‌دار لشکر نوبهار، بوی بهاری بر دور سر و عروس دل‌آرای فلک نشسته بر حجله‌گاه آراسته‌ی طبیعت و چشم انتظار نوروز که از راه در رسد و بر

می‌بینیم که مزدا اهورا از اهریمن روی برمی‌تابد و اهریمن بد نهاد چون ماری بر زمین می‌خزد. نخست به آب حمله می‌برد و آن را به آفت شوری و بدمزگی می‌آمیزد». (ص ۴۹)

«با پندار خلاق و گفتار نغز و کردار نیک می‌توان امشاسپند خرداد آن فرشته‌ی جویبارهای جاری گشته بر سینه‌ی کوهساران را شادمان ساخت». (ص ۴۸)

«در حالی که ارج و قرب الهه‌ی آنهایتا این فرشته‌ی نیکوسیرت را نیک می‌دانیم که به نگهبانی آب جمال می‌گشاید و جلوه می‌کند و مورد ستایش و نیایش قرار می‌گیرد... و در ادبیات مزدیسنا عزیزترین عزیزان قلمداد می‌شود». (ص ۴۹)

اگر قائل به این اصل باشیم که لحن و بیان نوشتاری، امری منعطف و بسیار پرتنوع است؛ و تناسب هر نوشته با موضوعات مورد نظر خود، و تطابقش با مفاهیمی که قصد ابلاغشان را دارد، میزان قدرت ارزش آن را تعیین می‌کند؛ در تجلی دوازده ماه در آیینی اساطیر و فرهنگ عامه‌ی ایران، آنچه برای خواننده، تا حدودی ثقیل، ناخوشایند



فروهرها (ص ۸)، اشو

(ص ۱۰)، آفرینگان خوانی

(ص ۱۱)، پاتاو (ص ۱۵) و... در این زمره اند.

از دیگر کاستی‌های تجلی دوازده ماه در آیینی اساطیر و فرهنگ عامه‌ی ایران، نقص فهرست‌های منابع مورد استفاده برای تدوین آن است که در مواردی، تعداد و یا اطلاعات کتابشناختی‌شان کامل و کافی نیست. همچنین، بسیاری از داده‌های کتاب که با تصریح مؤلف، بر پایه‌ی پژوهش‌های شخصی و یا میدانی ایشان متکی است، فاقد ذکر چگونگی شیوه‌ی این بررسی‌هاست. بی‌تردید، تبیین این امر و توضیح در مورد روش به کار گرفته شده در تحقیق (در جایی مثلاً پیش‌گفتار کتاب) بر سندیت و اعتبار آن می‌افزود. نامشخص بودن منابع برگردانده‌ی فارسی قطعاتی از اوستا هم از کمبودهایی است که به ارزش علمی کتاب لطمه وارد آورده است. نبود فهرست راهنما و اعلام در انتها؛ غلط‌های چاپی متن، مانند افتادگی سطر آخر صفحه‌ی ۱۶، و هم افتادگی عددهای توک ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ در صفحه‌ی ۱۵؛ و نیز رنگ انتخابی عنوان روی جلد و طرز قرارگیری آن بر طرح زمینه، که سبب محو شدن نیمی از عنوان گردیده؛ از اشکالات فنی کتاب است.

با همه‌ی اینها، نگاه نقادانه و دغدغه‌ی خردمندانه‌ی مؤلف، در شناسنامه بخشیدن به باورهای امروزی مردم سرزمین مان، قابل تقدیر است.

کولبار رنگین خویش نوبرانه‌های بهاری و بوی باران بیاورد و دایه‌ی ابر به پرستاری طفلان نباتی بنشیند و شاخه‌های دوشیزه‌ی درختان، بارور حمل میوه‌ی شیرین گردند». (صص ۱۷۱ - ۱۷۲)

در پاره‌ای جاها، عدم یکدستی، در به‌کارگیری واژه‌ای واحد نیز به چشم می‌آید:

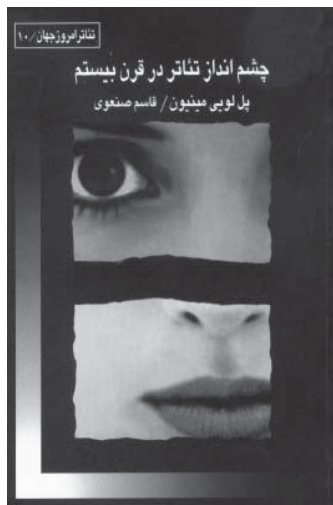
«... نومه‌ی نوروز برای نامزدش یک سال تمام سبزه قبا (قوه =

Goveh می‌بافد». (ص ۱۷)

که کلمه‌ی «نامزد» یک بار به شکل «نومه» و بار دیگر به صورت «نامزد» آمده است.

از اصولی که در زمینه‌ی ادبیات عامیانه و یا بومی و محلی، الزاماً می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، استفاده از آوانویسی<sup>۲۹</sup> یا الفبای صوتی برای واژگان و اصطلاحاتی است که در زبان فارسی ادبی نیستند و نیز برای اسم‌های خاصی که تا حدی نامأنوسند. این امر با آنکه در این کتاب عمدتاً رعایت گردیده اما در همه جا لحاظ نشده است. پیر زنگا (ص ۷)، نرون (ص ۱۵)، پیچ (ص ۱۵)، پانگ (ص ۱۵)، پیزون (ص ۲۳)، اهنود (ص ۱۲)، اشتود (ص ۱۲)، سفنتمد (ص ۱۲)، و هوشخستر (ص ۱۳) و هشتواش (ص ۱۳)، دهات هریس (ص ۱۲) و... از آن جمله‌اند. اضافه بر آن، هستند واژگان و اصطلاحاتی که برای خواننده‌ی غیرمتخصص، نیاز به بازشکافی و روشن شدن دارند؛ در حالی که هیچ توضیحی برایشان داده نشده است.





### چشم انداز تئاتر در قرن بیستم

#### پل لویی مینیون

#### ترجمه‌ی قاسم صنعوی

#### نشر قطره

بیان ماجرای یک قرن هنر نمایش و سیر تاریخی آن از ربع چهارم قرن نوزدهم تا دهه‌ی هشتم قرن بیستم در اثری با حجم محدود اقدامی است تهورآمیز. پل لویی مینیون، منتقد معروف تئاتر و مؤلف چندین کتاب معتبر در مقام «تماشاگر هر دوره‌ی نمایش در فرانسه» توانسته است جزء جزء این تظاهر هنری را دریافته و از عهده‌ی کار آن برآید.

مؤلف ابتدا به تحول‌های نمایش در صد سال مورد اشاره پرداخته و مکتب‌های گوناگون تئاتری را بررسی می‌کند. از شیوه‌های مختلف

### پی‌نوشت‌ها:

#### 1- folklore

- «فولکلور» دایره‌المعارف فارسی، ۶۵۳۱. جلد دوم (بخش اول). ص ۱۹۵۱.

#### 3- Anthropology

#### 4- Valentin Alekseevich Zhoukovskii

#### 5- Arthur Emanuel Christensen

#### 6- Henri Masse

۷- نویسنده‌ی بزرگ ایرانی، متولد سال ۱۲۸۱ و متوفی به سال ۱۳۳۰ هجری شمسی

۸- نگاه کنید به: صادق هدایت، نوشته‌های پراکنده، چاپ دوم، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۴)، صص ۲۹۵-۳۲۷.

۹- همان. صص ۳۴۳-۳۶۴.

۱۰- همان. صص ۴۴۷-۴۸۳.

۱۱- متوفی به سال ۱۳۱۵ قمری.

۱۲- ادیب، شاعر و روزنامه‌نویس آزادخواه دوره‌ی مشروطیت.

۱۳- سلسله مقاله‌های طنزآمیز، باارزش و بیدارکننده‌ای که در روزنامه‌ی صوراسرافیل منتشر می‌شد.

۱۴- نویسنده‌ی شهیر ایرانی، متولد سال ۱۲۷۰ شمسی در اصفهان و متوفی به سال ۱۳۷۶ (ش).

۱۵- متوفی به سال ۱۳۴۱ شمسی.

۱۶- متولد سال ۱۳۰۰ و متوفی به سال ۱۳۷۲ شمسی.

۱۷- ابوالقاسم انجوی شیرازی. «من به خاطر نجات فولکلور ایران از مردم دعوت عام می‌کنم...!». سپید و سیاه، شماره‌ی مسلسل ۷۸۹ (از چهارشنبه ۲۲ آبان الی چهارشنبه ۲۹ آبان ۱۳۴۷)، ص ۹۱.

۱۸- Asha، یکی از هفت امشاسپند.

۱۹- Haurvatat، یکی دیگر از هفت امشاسپند. این امشاسپند با آب ارتباط دارد.

#### 20- Tishtar

#### 21- Aposh

۲۲- Ameretat، یکی دیگر از هفت امشاسپند. این امشاسپند با گیاه ارتباط دارد.

۲۳- Khshathra Vairyra، یکی دیگر از هفت امشاسپند. این امشاسپند با فلزات ارتباط دارد.

#### 24- Mithra

#### 25- Ardvi Sur Anahita

۲۶- آتر (=Atar) آتش.

۲۷- Vohu Manah، یکی دیگر از هفت امشاسپند.

۲۸- Spenta Armaiti، یکی دیگر از امشاسپندان.

#### 29- transription